

بررسی حکم خانی

نرگس فرهود^۱

خلاصه

اعطای حکم خانی به افرادی که خدمتی به شاهان انجام می‌دادند در گذشته متداول بوده است. این حکم از سوی شاه به شخصی داده می‌شد که خدمت ارزنده‌ای انجام داده باشد. حکم خانی از دوره مغول به بعد در ایران رواج پیدا کرد. به حکام محلی «خان» گفته می‌شد و وظیفه عمده «خان» برقراری امنیت و آرامش در منطقه حکومتی‌اش بود. در این نوشتار به منصب «خان» در بین طایفه جلاایر در کلات پرداخته می‌شود. جلاایرها اقوامی بودند که همراه سپاه چنگیزخان وارد خراسان شدند و در منطقه کلات سال‌ها حکومت محلی داشتند.

کلید واژه‌ها: خان، جلاایر، کلات، مواجب، خان

کلمه «خان» در فرهنگ‌ها^۲ به معنی رئیس، امیر، بزرگ و نجیب است و در قدیم عنوان امرا و رؤسای قبایل ترک، تاتار و مغول بوده است. پادشاهان ترک را خان می‌گفتند و چون سلاطین روم منشعب از ایل ترکانند خود را «خان»^۳ می‌نامیدند. در تاریخ جهانگشای جوینی کلمه «خان» کاربرد دارد^۴ «خان همه خانان منکوقآن که فتح و نصرت بر اعلاى دولت و دین به لوای او معقود باد». پس از حمله مغول به ایران کلمه «خان» در

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بجنورد.

۲. نفیسی، علی اکبر. فرهنگ نفیسی (ناظم‌الاطباء) ج ۲، تهران، کتابفروشی خیام، ۱۳۴۳ هم‌چنین فرهنگ جهانگیری و فرهنگ فارسی عمید.

۳. جوینی، عطا ملک بن محمد. تاریخ جهانگشای جوینی، مقدمه و تصحیح و تعلیقات حبیب‌الله عباسی و ایرج مهرکی، تهران، زوار، ۱۳۸۵، ص ۲۱۷.

۴. جوینی، عطا ملک بن محمد. تاریخ جهانگشای جوینی، مقدمه و تصحیح و تعلیقات حبیب‌الله عباسی و ایرج مهرکی، ص ۲.

مناطق مختلف کاربرد پیدا می‌کند. این اصطلاح در واقع یادآور زندگی بدوی و صحرا نشینی است، یعنی هنوز جوامع حالت مدنیت پیدا نکرده بودند. در تشکیلات اداری کلمه «خان» جایگاه والایی دارد تا جایی که برخی از سلاطین لقب خانی به افراد اعطاء می‌کردند. اصطلاح خان، در طول دوران تاریخی، جایگاه به خصوصی داشت تا اینکه با تکیه زدن رضاخان بر اریکه سلطنت از اعتبار «خان» کاسته شد. در حال حاضر در برخی از مناطق روستایی ایران آخرین بازمانگان «خان» بدون قدرت ادامه حیات می‌دهند.

اعطای لقب خانی

با توجه به سندی که در ادامه معرفی خواهد شد جایگاه «خان» در دوره قاجار مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. همچنان که ذکر شد لقب خانی اصطلاح مغولی است که از مغولستان وارد ایران شد ولی کاربرد این کلمه در دوره افشاریه و قاجار به مراتب مورد توجه بود. در تاریخ خراسان به خصوص دوره قاجار بارها کلمه خوانین آمده است که جمع «خان» می‌باشد. بحث طغیان خوانین در گذشته وجود داشته است. هرگاه حکومت مرکزی نفوذ کمتری در مناطق مرزی خراسان داشت به بهانه‌هایی خوانین منطقه طغیان می‌کردند. این طغیان و سرکشی‌ها در برخی از موارد موجب ناامنی مرزی می‌شد و سال‌ها مناطقی از ایران را ناامن می‌کرد. در دوره قاجار لقب خانی جایگاه والایی داشت و «خان» در مجموعه حکومتی اش اختیار تام داشت و اداره نواحی و مناطق برعهده خان بود. در دوره قاجار، بر طبق سند مورد مطالعه، تا حدودی لقب خانی در خانواده‌هایی به خصوص وجود داشت؛ هر چند نمی‌توان گفت این اصطلاح موروثی نبود و لیکن کلمه «خان» خارج از آن خانواده هم نبود.

ایل جلایر

طوایف جلایر از اقوام مشهوری می‌باشند که در عصر مغول همراه با سپاه چنگیز خان وارد خراسان شده‌اند و در منطقه مرزی به خصوص کلات سکنی گزیده‌اند. طوایف جلایر از دوره مغول تا دوره پهلوی در منطقه کلات جزء خانواده‌های با نفوذ و از حکام محلی محسوب می‌شوند که از دوره صفویه تا قاجار خدماتی را انجام داده‌اند. یکی از بزرگان جلایر که در دوره نادرشاه خدمات ارزنده‌ای انجام داده طهماسب‌خان جلایر (وکیل‌الدوله) می‌باشد. طهماسب‌خان در جنگ نادر با عثمانی‌ها در میاندوآب و ارومیه و افاغنه هرات با فرماندهی قسمتی از سپاه نادر با شجاعت و شجاعت با دشمن نبرد دلیرانه نمود که به پیروزی سپاه نادر انجامید و به پاس این خدمت از طرف نادر به دریافت لقب خانی و فرمان حکمرانی راز و قوش‌خانه سرافراز شد.^۱ همچنین در دوره افشاریه یلنگ توشخان جلایر^۲ از افراد

۱. میرنیا، سید علی. سردارانی از ایلات و طوایف درگز در خدمت میهن، مشهد، مولف، ۱۳۶۱، ص ۷۲.

۲. جلایر، ذوالفقار. فتوحات ایرانیان به فرمانده نادرشاه افشار، مشهد، سخن گستر، ۱۳۸۷، ص ۵۷۸.

مورد اعتماد نادرشاه افشار بوده است که کار اختفای جواهرات سلطنتی نادرشاه را در کلات بر عهده داشته است. علاوه بر افراد یاد شده از فردی، به نام یلنگ توشخان کلاتی، در اسناد اسم برده شده است که در حکم ناصرالدین شاه هم تأکید شده است «که چون مرحوم یلنگ توشخان کلاتی از قدیمی خدمتگزاران دولت ابد مدت علیه بود و در زمان انقلاب خراسان تصدق فرق فر فراسای همایون پادشاهی شد» منظور از این شخص که در بیشتر کتاب‌های تاریخ محلی هم اسمی از او برده شده است کسی است که در فتنه سالار شرکت داشته که ناصرالدین شاه از این واقعه به انقلاب خراسان تعبیر کرده است. وی در سال ۱۲۶۴ ق حاکم کلات بوده و به همراه دیگر خوانین ایلات خراسان در جنگ و شورش سالار شرکت داشته است و در این جنگ کشته می‌شود. خدمت وی به ناصرالدین شاه موجب می‌شود تا ناصرالدین شاه به پاس خدمات یلنگ توشخان کلاتی و همچنین خدماتی که فرزندش بهبودخان انجام می‌دهد حکم خانی به وی اعطا نماید. از دیگر حکام محلی کلات از خاندان جلایر می‌توان به فتح علی خان (فتح الملک) اشاره نمود.

معرفی سند

[سجع مهر] الملک لله تعالی

تا که دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت صیت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت، ۱۲۶۴ که چون مرحوم یلنگ توشخان کلاتی از قدیمی خدمتگزاران دولت ابد مدت علیه بود و در زمان انقلاب خراسان تصدق فرق فر فراسای همایون پادشاهی شد. عالی‌جاه عزت و سعادت همراه مجدت و نجدت اکتناه خلوص عقیدت انتباه بهبود آقا پسر مرحوم مشارالیه نزد عم اکرم کامکار حمزه میرزا مصدر خدمات شده، صدق ارادت و خلوص عقیدت از خود تقدیم رسانده است. لهذا باقتضای مرحمت خاطر خطیر همایون شاهانه و ملاحظه حقوق خدمات والد عالی‌جاه مشارالیه او را بلقب خانی سرافراز و در هذ السنه تخاقوی نیل و مابعدا مبلغ سیصد تومان نقد و مقدار بیست خروار جنس خانواری در وجه او مرحمت و برقرار فرمودیم که همه ساله از بابت مالیات مملکت خراسان اخذ و باز یافت کرده صرف گذران خود نماید و به مراسم خدمتگزاری پردازد.

مقرر آنکه عم اکرم اسعد کامکار سلطان مراد میرزا قدغن نماید که عالی‌جاه مشارالیه را بخطاب خانی سرافراز داشته موجب و خانواری او را هم حسب المقرر داشته از همین قرار برساند.

المقرر مقرب الخاقان مستوفیان فرمان همایون را ثبت دفاتر خلود نموده در عهد شناسند.

تحریر فی شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۶۵

آنچه از این مطلب و حکم خانی بهبود آقا به دست می‌آید. در صورتی که در جنگ‌ها و یا حادثه‌ای فردی رشادت و دلیری می‌کرد از طرف شاه مملکت مفتخر به حکم خانی می‌شد.

طبق این سند «خان» از بابت مالیات موجب می‌گرفت. این موجب به دو صورت نقدی و جنسی بوده است. موجب نقدی مبلغ سیصد تومان و موجب غیر نقدی یا جنس خانواری را بیست من تعیین کرده‌اند.